

فصلنامه راهبرد سیاسی
سال دوم، شماره ۷، زمستان ۱۳۹۷
صفحات: ۹۹-۱۱۲
تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۹/۰۸؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۱۱/۱۹

مقایسه شاخص‌های عملکرد اقتصادی دولت ایران در زمان ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد با حسن روحانی

لیلا خدابخشی* / احسان خالدي** / رضا آسوده***

چکیده

اقتصاد در دولت محمود احمدی نژاد از جمله شاخص‌های مورد انتقاد در دوران ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد محسوب می‌شود. او برنامه‌های اقتصادی خود را بر اساس آنچه اقتصاد اسلامی و اقتصاد عدالت محور خوانده بود، پایه‌ریزی کرد و با شعار «آوردن پول نفت بر سر سفره‌های مردم» نظر مردم را به خود جلب کرد و اجرای طرح‌های طرح تحول اقتصادی، احداث بنگاه‌های زود بازده، طرح مسکن مهر، طرح هدفمندسازی یارانه‌ها و صندوق مهر امام رضا را در اولویت کاری در این ۸ سال قرار داد، اما بر خلاف شعارها و عملکرد دولت‌ها در مدت ۸ سال زمامداری محمود احمدی نژاد، اکثر شاخص‌های کلان اقتصادی ایران تنزل پیدا کردند، از جمله میزان نقدینگی کشور از زمان آغاز به کار دولت نهم تا زمان اتمام دوره دولت دهم به میزان ۶ برابر افزایش یافته است. دولت حسن روحانی نیز در یک دوره‌ی گذشته توانسته است رویکردهای سیاستی گذشته و روند شاخص‌های مختلف را معکوس کند. روند تحریم‌های بین‌المللی معکوس شده؛ روابط بین‌المللی ایران آن چنان بهبود یافته که ایران برای اولین بار می‌تواند نقش دیپلماتیک نیز در بحران‌های منطقه‌ای ایفا کند؛ نرخ تورم به میزان قابل توجهی کاهش یافته است و بسته سیاستی منسجم و کارآیی برای عبور از رکود ارائه شده است.

کلید واژه‌ها

عملکرد دولت، شاخص‌های اقتصادی، محمود احمدی نژاد، حسن روحانی.

* عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایرانشهر و دانشجوی دکتری علوم سیاسی واحد علوم تحقیقات. (نویسنده

Leila.khodabakhshi@yahoo.com

مسئول)

** دانش آموخته کارشناسی ارشد مطالعات منطقه ای دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس.

*** دانش آموخته کارشناسی ارشد مطالعات منطقه ای دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس.

مقدمه

امروزه بطور گسترده‌ای در بین صاحب‌نظران اقتصادی این باور که فعالیت‌های دولت در سطوح ملی آثار مهمی بر عملکرد اقتصادی کشورها می‌گذارد، چه در قالب تئوریک و چه در کاربرد از مقبولیت خاصی برخوردار است. دولت‌های امروزی با استفاده از ابزارهایی مانند مالیات، مخارج ملی هزینه‌ای، قانون‌گذاری و کسری‌های بودجه‌ای به دخالت در بازار و بعضاً مدیریت عرضه و تقاضای برخی کالاها و خدمات می‌پردازند. از جمله این موارد مقوله‌ی اقتصادی است که بطور جدی از سرمایه‌گذاری‌های دولتی و سیاست‌گذاری‌های مختص آن حوزه تاثیر می‌پذیرد.

یکی از عملکردهای دولت محمود احمدی نژاد که مورد انتقاد است فعالیت اقتصادی ایشان است، برنامه‌های اقتصادی آقای احمدی نژاد بر اساس اقتصاد اسلامی و اقتصاد عدالت محوری پایه‌ریزی شد. ایشان در ابتدای ریاستش برنامه‌هایی چون هدفمندی یارانه‌ها اجرای طرح مسکن مهر و ... را در برنامه داشتند اما با این وجود اکثر شاخص‌های اقتصادی حالت نزولی به خود گرفتند به عنوان نمونه افزایش ۶ برابری نقدینگی در کشور بود.

سال‌های قبل در دولت آقای احمدی نژاد برای جمع‌آوری اطلاعات خانوار که فرم‌هایی در دفاتر پستی به صورت رایگان برای ثبت نام افراد فراهم شد که همه خانوارها اطلاعات خود را به صورت صادقانه در اختیار دولت قرار دادند که بعد از بحث هدفمندی یارانه‌ها بیان شد که یکی از معضلاتی که در این دولت بود به نتیجه نشست حاصل نقدینگی دولت قبل بود که در این دولت خودش را نشان داد و یا طرح مسکن مهر، طرحی که موجبات خانه‌دار شدن بسیاری از اقشار کم درآمد کشور را فراهم کرد و دست سوداگران را نیز از این بازار تا حدودی قطع کرد اما بنا بر اظهارات طیب‌نیا (وزیر اقتصاد دولت روحانی)، نیمی از تورم فزاینده به ارث گذاشته شده توسط دولت دهم، به موجب اجرای نادرست طرح مسکن مهر می‌باشد. استقراض سنگین دولت از بانک مرکزی و پرداخت تسهیلات بی‌رویه به مردم از جمله ساز و کارهای اشتباه این طرح بوده است (طیب‌نیا، ۱۳۹۲).

از سویی دیگر، کلیددار دولت تدبیر و امید، از زمانی که سکان امور اجرایی کشور را در دست گرفت هموار در آماج پیکان‌های بران منتقدان بود که به دلایل مختلف دولت یازدهم را به چالش می‌کشیدند. این انتقادات از پذیرفتن برجام از سوی مذاکره‌کنندگان شروع شد و اخیراً تعطیلی واحدهای تولیدی نام آشنا، افزایش نرخ بیکاری و حقوق‌های نجومی مدیران دولتی

محل بحث و انتقاد به دولت کنونی شد. در این میان هم دولت به دستاوردهای خود در جامعه بین‌الملل و تک رقمی کردن تورم دلخوش است و انتقادات از خودش را به میراث باقی مانده از دولت‌های گذشته نسبت می‌دهد. به هر حال، مسئله‌ای که در حال حاضر کاملاً مشهود است نارضایتی مردم از وضعیت بازار کار، معیشت و در این روزهای اخیر میزان درآمدها است. با این حال، به نظر می‌رسد قضاوت را باید به آمار و ارقام شاخص‌های اقتصادی سپرد و دید که در مقایسه با عملکرد دولت‌های نهم و دهم یعنی ۸ سال پس از روی کار آمدن محمود احمدی نژاد، دولت فعلی تا چه حد موفق بوده است؟ با گذشت دوره‌ی نخست ریاست جمهوری آقای دکتر روحانی این امکان فراهم فراهم می‌شود تا شاخص‌های این دولت را با دولت‌های نهم و دهم مقایسه کرد، لذا در این مقاله به مقایسه شاخص‌های عملکرد اقتصادی دولت نهم و دهم با دولت یازدهم پرداخته می‌شود.

چارچوب نظری

تاریخ اقتصاد ایران مملو از وقایع قابل توجه در زمینه عملکرد اقتصادی دولت و ابزارهای اجرای آن است، این اقدامات در طی تاریخ با نوسانات قابل توجهی همراه بوده است، به طوری که در برخی دوران‌ها شکوفا شده و در برخی دیگر با شدت کمتر و ضعف همراه بود است، این تغییر پذیری، متناسب با شرایط زمانی و اوضاع اقتصادی کشور صورت گرفته است، اما در ارتباط با ارزیابی عملکرد اقتصادی دولت‌ها دیدگاه‌های گوناگونی ارائه شده است؛ جورج^۱ (۲۰۰۳) معتقد است از آنجا که هدف سازمان‌های دولتی و غیر انتفاعی ارائه خدمت است نه کسب سود، بنابراین میزان موفقیت این سازمان‌ها باید از طریق اندازه‌گیری معیارهای دیگری به غیر از سود مورد ارزیابی قرار گیرد و اندازه‌گیری این شاخص‌ها، به وسیله آنها می‌تواند جایگزینی خوبی برای اندازه‌گیری سود باشد، بورگونوری^۲ و آنسی پسینا^۳ (۱۹۹۹) توضیح می‌دهند که تغییرات اخیر در نقش و ساختار دولت‌ها محلی اطراف جهان بر عملکرد اقتصادی دولت‌ها اثر گذار بوده است و لازم است که آنها به شمار زیادی از ذینفعان متعدد پاسخگو باشند، سیاستمداران و ناظران در این دولت‌ها دیگر صرفاً به دنبال رعایت قوانین از سوی

¹ Jorge

² Boronovi

³ Anessi-Pessina

مدیران نیستند، بلکه ارزیابی کارایی، صرفه اقتصادی و اثربخشی از نظر آنها اهمیت بیشتری یافته است.

ولابارگس^۱ (۱۹۹۶) به لزوم ارائه شاخص‌های عملکرد دولت‌ها در حوزه‌های مختلف اشاره می‌کند، وی معتقد است که ارائه معیارهای ارزیابی عملکرد دولت‌ها و اثربخشی فعالیت‌های آنها ضروری است. او مهمترین شاخص‌های اقتصادی دولت‌ها را نرخ تورم، رشد اقتصادی، نرخ بیکاری، تولید ناخالص ملی، شکاف طبقاتی می‌داند. بنابراین با توجه به موارد فوق الذکر در این مقاله به تاسی از ولابارگس (۱۹۹۶) به بررسی شاخص‌های عملکرد اقتصادی دولت‌های نهم تا یازدهم پرداخته شده است.

شاخص‌های کلان اقتصادی در دوران ریاست جمهوری احمدی نژاد

جدول ذیل جهت دورنمایی از وضعیت اقتصادی کشور در طی دوران ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد نشان می‌دهد، همان طور که در جدول مشاهده می‌شود، در تمامی شاخص‌ها هنگام شروع دولت در سال ۱۳۸۴ کشور در بالاترین شرایط و مناسب‌ترین وضعیت بودند، که در طی ۸ سال، این شاخص‌ها روند نزولی طی کرده است و در پایان دولت دهم کشور در بدترین شرایط و در آستانه سقوط اقتصادی قرار گرفت، به طوری مثال نرخ تورم از ۱۰/۴ در سال ۱۳۸۴ به حدود ۴۰ درصد در سال ۱۳۹۲ می‌رسد، همچنین رشد اقتصادی از ۶/۴ به ۵/۴- سقوط کرده است. سایر شاخص‌ها نیز با توجه به جدول ذیل است.

¹ Vela BARGUES

جدول ۱، شاخص‌های کلان اقتصادی ایران در خلال سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ به قرار زیر است:

شاخص	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲
نرخ تورم (برحسب درصد)	۱۰/۴							۳۰/۵	۴۰ درصد (مرداد ۹۲)
ضریب جینی	۰/۴۲۴۸							۰/۳۶۴۳	
بودجه (برحسب ۱۰۰۰ میلیارد تومان)	۱۵۵/۸							۵۶۶/۶	۷۲۷
معوقات بانکی (برحسب ۱۰۰۰ میلیارد تومان)	۵/۱						۶۰		۸۰ (خرداد ۱۳۹۳)
شاخص فلاکت	۳۰/۸							۴۲/۷	۴۸/۱
نفوذ بیمه (برحسب درصد)	۱/۲۷						۲		
رشد اقتصادی (برحسب درصد)	۶/۴							-۵/۸	-۵/۴
شاخص بورس (برحسب واحد)	۹۴۵۹							۳۸۰۰۰۰	۵۷۰۰۰۰ (خرداد ۹۲)
میزان بیکاری (برحسب درصد)	۱۰/۴							۱۲/۳	۱۰/۵
سرمایه‌گذاری خارجی (برحسب ۱۰۰۰ دلار)	۳۰۳۹۵۹۴	۱۷۸۹۱۸۷	۱۶۰۳۹۱۹	۱۷۳۲۹۱۴	۲۷۴۶۷۹۴	۳۴۰۳۸۷۴	۲۵۴۷۴۲۳	۴۸۵۰۰۰۰	
حداقل دستمزد (برحسب ۱۰۰۰ تومان)	۱۰۶							۳۸۹/۷	۴۸۹
نقدینگی (برحسب ۱۰۰۰ میلیارد تومان)	۷۸/۴				۱۹۷			۴۶۴	۴۷۳
تولید روزانه نفت (برحسب هزار بشکه)	۴۲۲۳				۳۷۲۵				۲۵۰۰

منابع: خبرهای داغ سیف از تورم و هدفمندی، ایران اکونومیست، ۱۹، ۱۹-۱، آرامیان، راشل (۱۳۹۲)، نعمت‌الهی (۱۳۹۲)

رشد اقتصادی

براساس آمار و گزارش مسعود نیلی، هاشمی رفسنجانی دولت پنجم را با رشد اقتصادی یک دهم دریافت و با رشد اقتصادی ۳،۱ به دولت بعد تحویل داد، سید محمد خاتمی، دولت هفتم را با رشد اقتصادی ۳،۱ دریافت و با رشد اقتصادی ۵،۵ به دولت بعد تحویل داد. محمود احمدی نژاد نیز دولت را با بیشترین رشد اقتصادی ۵،۵ نسبت به دولت‌های قبل در اختیار گرفت و با کمترین رشد اقتصادی منفی ۴،۴ به روحانی تحویل داد (نیلی، ۱۳۹۴).

بیشترین رشد اقتصادی سال پایانی کار دولت‌ها مربوط به دولت یازدهم با رشد ۱۱،۶ درصد، دولت هشتم با رشد ۶،۲ درصد، دوره جنگ با رشد اقتصادی ۶،۲ درصد، دولت هفتم با رشد ۲،۱ درصد، دولت پنجم با رشد ۱،۴ درصد، دولت نهم با رشد ۱،۲ درصد، دولت ششم با رشد ۰،۸ درصد و کمترین رشد اقتصادی مربوط به دولت دهم با رشد منفی ۱،۹ درصد است (علیزاده، ۱۳۹۲).

نرخ بیکاری

بحث اشتغال و پیچیدگی‌های آن در جهان پرشتاب امروز توجه بسیاری از سیاست‌گذاران، دولت‌مردان و کارشناسان را به خود جلب نموده است (طباطبایی، ۱۳۹۰). با این وجود، از دیرباز مسأله اشتغال و بیکاری یکی از عمده‌ترین مسائل اجتماعی اقتصادی گریبانگیر کشورهای در حال توسعه و به میزان کمتر چالش پیش‌روی کشورهای پیشرفته بوده است؛ به طوری که با استناد به گزارش سالانه سازمان بین‌المللی کار، روند بیکاری در جهان به میزان قابل توجهی افزایش یافته است (مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۸۸).

دولت نهم و دهم همواره اشتغال‌زایی را یکی از اهداف و سیاست‌های خود اعلام می‌کرد. این در حالی است که بسیاری از کارشناسان اقتصادی، رشد نرخ بیکاری را در این ۸ سال در مقایسه با نیم‌قرن گذشته بی‌سابقه عنوان می‌کنند. حتی طرح‌بنگاه‌های زودبازده نیز نتوانست به اهداف اشتغال‌زایی دولت کمک کند. از همین رو دولت ناچار شد با تغییر تعریف بیکاری، به بخشی از انتقادات پاسخ دهد. براساس تعریف یاد شده، تمام افراد ۱۰ ساله و بیشتر که در طول هفته مرجع، حداقل یک ساعت کار کنند، شاغل محسوب می‌شوند.

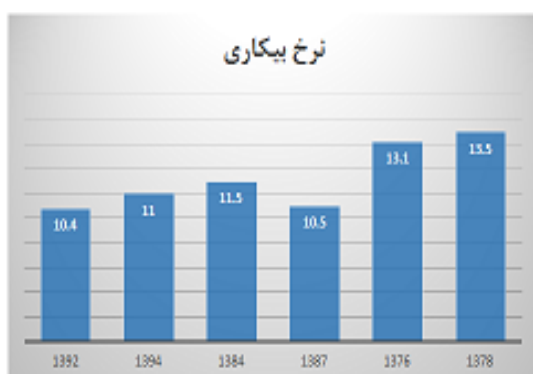
اما حتی دستکاری آمارها نیز نتوانست منجر به کاهش نرخ بیکاری شود، طبق آمارهای رسمی مرکز آمار ایران در ابتدای شروع کار دولت محمود احمدی‌نژاد در سال ۸۴ جمعیت شاغل کشور ۲۰ میلیون و ۶۱۸ هزار و ۵۷۹ نفر بوده که در پایان سال ۹۱ این عدد به ۲۱ میلیون و ۱۶۰ هزار و ۸۸۷ نفر رسیده است و این آمار نشان می‌دهد در طول این حدود ۸ سال تنها ۵۴۲ هزار و ۳۰۸ نفر به جمعیت شاغلان کشور افزوده شده است. البته آمارهای غیررسمی تاکید دارند طی سال‌های گذشته تنها ۷۱ هزار شغل ایجاد شده است (نعمت‌الهی، ۱۳۹۲).

در تابستان ۹۱، نرخ بیکاری در گروه‌های سنی بین گروه سنی ۲۵ تا ۲۹ سال ۵/۲۲ درصد، بین گروه سنی ۳۰ تا ۳۴ سال ۸/۱۰ درصد، بین گروه سنی ۳۵ تا ۳۹ سال ۰/۵ درصد و بین گروه سنی ۴۰ تا ۴۴ سال ۷/۵ درصد اعلام شد (علیزاده، ۱۳۹۲).

نرخ بیکاری در دولت یازدهم در قیاس با دولت دهم قدری بهبود یافته است. هنوز اتفاق بزرگی در مورد کاهش بیکاری رخ نداده است ولی دولت امیدوار است با رشد اقتصادی بیشتر مقدمات کاهش بیکاری را مهیا کند. بنابر اطلاعات ارائه‌شده از جانب اسدالله عباسی، در خلال سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ مجموعاً ۷ میلیون شغل (سالانه ۸۷۵،۰۰۰ شغل) ایجاد شده است،

این در حالی است که بر اساس آمار ارائه شده از جانب مسعود نیلی، از مشاوران اقتصادی دولت یازدهم ایران، به طور میانگین سالانه تنها ۱۴،۰۰۰ شغل جدید در کشور ایجاد شده است. این آمار یکبار نیز توسط حسن روحانی در صحن علنی مجلس شورای اسلامی قرائت شد که موجب انتقاد برخی نمایندگان گردید. بر اساس اطلاعات ارائه شده از جانب مرکز آمار ایران که در واپسین روزهای حضور دولت دهم ایران منتشر شده بود، سالانه ۵۷،۰۰۰ شغل جدید به ثبت رسیده است (طیب نیا، ۱۳۹۲).

در جدول ذیل این شاخص به طور مشخص ارائه شده است.



دولت ها	سال	نرخ بیکاری
روحانی	۱۳۹۲	۱۰,۴
	۱۳۹۴	۱۱
احمدی نژاد	۱۳۸۴	۱۱,۵
	۱۳۸۷	۱۰,۵
خاتمی	۱۳۷۶	۱۳,۱
	۱۳۷۸	۱۳,۵

حضور نظامیان در فعالیتهای اقتصادی

از جمله انتقادات وارده به دولت‌های احمدی‌نژاد، حضور گسترده نظامیان در فعالیتهای اقتصادی است. این رویداد منجر به در اختیار گرفتن منابع عظیم مالی کشور توسط نظامیان می‌شود، زیرا موجبات ورود آنها به فعالیتهای سیاسی می‌شود که در زمان صلح برای امنیت کشور خطرناک است، از جمله این اقدامات واسطه‌گری فروش نفت ایران به مشتری‌های خارجی توسط بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی (امیدوار، ۱۳۸۷)، در اختیار گرفتن ۸ درصد از بودجه عمرانی کشور (در سال ۱۳۹۱ معادل ۴۰ هزار میلیارد تومان) توسط قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء و در نهایت واگذاری غیرقانونی شرکت مخابرات ایران به شرکت اعتماد مبین، از شرکت‌های زیرمجموعه سپاه پاسداران اشاره کرد (راديو فردا).

فعالیتهای اقتصادی قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء در دوره دوم ریاست جمهوری احمدی‌نژاد، گسترده‌تر از ۴ سال قبلش بود. به طوری که در دولت دوم احمدی‌نژاد، بیش از ۱۵۰۰ مورد از

بزرگ‌ترین و مهم‌ترین پروژه‌های عمرانی ایران در حوزه‌های مختلف آب، گاز، نفت و راه‌سازی به این قرارگاه واگذار شده است (دویچه وله فارسی) اکبرهاشمی رفسنجانی، در این زمینه می‌افزاید: مهندسی رزمی سپاه امکاناتی از جنگ داشت که در سازندگی کشور می‌توانست مؤثر باشد و ما در آن زمان پروژه‌هایی مثل راه‌سازی را به آنان دادیم؛ هم برای کشور مفید بود و هم برای سپاه. اما حالا سپاه نبض اقتصاد و سیاست خارجه و داخله را در دست گرفته و به کمتر از کل کشور راضی نیست (سحام نیوز، ۱۳۹۴).

تولید ناخالص ملی

اگرچه تولید ناخالص ملی به تنهایی نمی‌تواند نمای درستی از اقتصاد یک کشور را به نمایش بگذارد چرا که در کشورهای صاحب ذخایر نفتی و کمتر توسعه یافته، تولید ناخالص ملی معمولاً با بالا رفتن درآمد نفتی افزایش می‌یابد و عمدتاً در این کشورها، درآمد حاصل شده کمتر صرف توسعه و رفاه اجتماعی جامعه می‌شود. با این حال، با این شاخص می‌توان دریافت که توان مالی دولت‌ها برای اجرای پروژه‌ها چه میزان است. بررسی این شاخص در سال‌های گذشته نشان می‌دهد دولت احمدی نژاد اقبال بلندی برای کسب درآمد یا تولید ناخالص ملی داشته البته این مسئله به افزایش ناگهانی قیمت نفت و اختلاف دلار در آن سال‌ها باز می‌گردد. در دو سال نخست روی کار آمدن دولت نهم تولید ناخالص ملی به ۲۰۳۱ میلیارد رسید تا اینکه همه کارشناسان از این دولت به عنوان خوش شانس‌ترین دولت یاد کنند. دولت روحانی نیز از این اقبال بلند برخوردار بود که بتواند در دو سال نخست به تولید ۲۰۳۱ میلیاردی برسد. این افزایش تولید در دو سال نخست کاری دولت هاشمی رفسنجانی و خاتمی نیز مشهود بود (طباطبایی، ۱۳۹۰).



دولت‌ها	سال	تولید ناخالص ملی (میلیارد ریال)
روحانی	1392	1,972,853
	1394	2,031,596
احمدی نژاد	1384	1,721,055
	1387	2,717,839
خاتمی	1376	252,547
	1378	384,803
هاشمی	1368	21,408
رفسنجانی	1370	43,022

ماخذ: نیلی (۱۳۹۴)

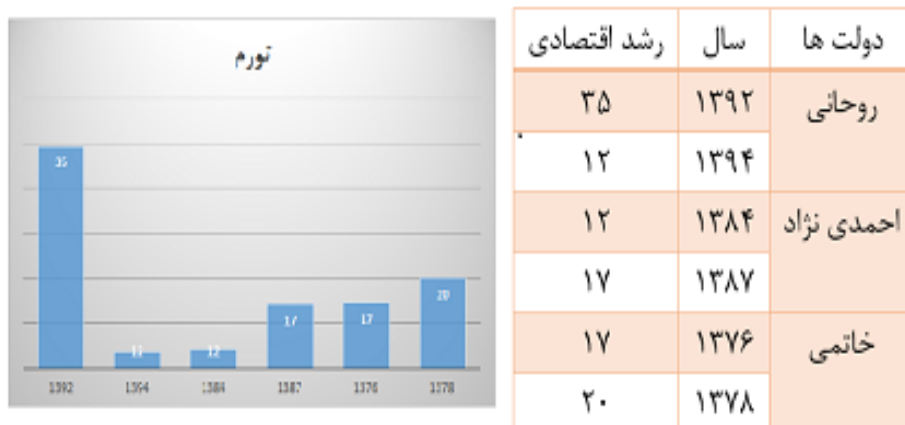
رشد نرخ تورم

در دولت‌های احمدی‌نژاد به دلیل عدم توانایی قوه مجریه در حفظ تعادل عرضه و تقاضا در بازار، تورم فزاینده‌ای شکل گرفت. عدم توانایی در محاسبه نرخ ارز جهت کالاهای اساسی و در نتیجه عدم ترخیص این کالاها از جمله مصادیق این ناتوانی به حساب می‌آید. همچنین وضع تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران، موجب عدم تمایل شرکت‌های ترابری برای ارسال کالاهای وارداتی مورد نیاز مردم ایران بوده که در نتیجه تامین نشدن کالاهای وارداتی مورد نیاز، عرضه و تقاضا بیش از پیش برهم خورده است (رئیس زاده، ۱۳۹۲).

آن‌طور که آمارهای رسمی نشان می‌دهد میانگین نرخ تورم در دولت‌های نهم و دهم طی سال‌های ۸۴ تا ۹۱ معادل ۱۷,۷ درصد بوده است. البته در این سال‌ها میانگین رشد اقتصادی ۳,۳ درصد و نرخ بیکاری ۱۱,۷ درصد بوده است. همچنین طبق آخرین آمار اعلامی بانک مرکزی، در دولت یازدهم نرخ تورم در خردادماه ۹۴ (آخرین تورم اعلامی در دولت یازدهم) ۱۵,۶ درصد، رشد اقتصادی ۳ درصد و بیکاری ۱۰,۸ درصد بوده است (نیلی، ۱۳۹۴).

نرخ تورم که در سال ۸۴، ۱۴ درصد بود در پایان سال ۹۱ به حدود ۳۱ درصد رسید که در ۳۰ سال گذشته بی سابقه بود و حتی در سال‌های جنگ هم تجربه نشده بود. طبق آمار بانک مرکزی تورم نقطه به نقطه هم در سال ۹۱ به ۴۶/۶ درصد و این عدد در فصل بهار به ۳۸ درصد رسید. بنابراین نتیجه شعار «آوردن نفت سر سفره مردم» تورم ۴۰ درصدی و رشد منفی

اقتصاد است. نرخ تورم در دولت یازدهم ۹,۸ درصد در قیاس با دولت دهم کاهش محسوس و قابل توجه یافته است (ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی کار و جامعه، ۱۳۹۲).



(نیلی، ۱۳۹۴)

رشد نقدینگی

مدیریت نقدینگی یکی از بزرگ‌ترین چالش‌هایی است که سیستم بانکداری نیز با آن روبه‌رو است زیرا دلیل اصلی آن این است که بیشتر منابع بانک‌ها از محل سپرده‌های کوتاه‌مدت تامین مالی می‌شود. علاوه بر این تسهیلات اعطایی بانک‌ها صرف سرمایه‌گذاری در دارایی‌هایی می‌شود که درجه نقدشوندگی نسبتاً پایینی دارند.

نقدینگی یا به عبارت صحیح‌تر، حجم پول، مجموع پول و شبه پول است. از آنجا که میزان کالا و خدمات در جامعه محدود است، پس باید میزان نقدینگی به اندازه‌ای باشد که با کالا و خدمات برابری کند.

رشد نقدینگی در دو سال ابتدایی دولت یازدهم از رشد نقدینگی در دو سال ابتدایی دولت نهم کمتر و از دو سال اول دولت دهم بیشتر است. روند افزایش رشد نقدینگی در دولت دهم همچون دولت نهم ادامه داشت و با وجود آن که طرح هدفمندی یارانه‌ها اجرا شد و دولت که باید برای جلوگیری از افزایش نقدینگی تمهیدات ویژه‌ای اتخاذ می‌کرد در این راستا برنامه خاصی را عملی نکرد و حتی با اتخاذ سیاست‌های انبساطی در سال ۹۰ به افزایش نقدینگی دامن زد. بنابراین دولت یازدهم در کنترل نقدینگی نسبت به دولت نهم موفق‌تر عمل کرده ولی نسبت به دولت دهم ضعیف‌تر بوده است. البته برخی کارشناسان دولتی در توجیه این مساله

مقایسه شاخص‌های عملکرد اقتصادی دولت ایران در ...

می‌گویند، رشد نقدینگی طی دو سال اخیر نسبت به دو سال ابتدای دولت دهم بیشتر بوده چون دولت یازدهم اقتصاد را در شرایط رکود تورمی تحویل گرفته و برای خروج از رکود نمی‌توانست سیاست‌های انقباضی شدید اجرا کند.

در سال ۱۳۹۳ رشد پایه پولی کاهش یافته و دولت برای افزایش نقدینگی از افزایش ضریب فزاینده بهره گرفته و پول پر قدرت کمتری به اقتصاد تزریق کرده است. حاکم شدن انضباط پولی را در تغییرات اجزای پایه پولی مانند مانده بدهی دولت و بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی نیز در مقایسه با گذشته می‌توان دید.

مقایسه آمارها نشان می‌دهد به حجم نقدینگی کشور در دولت یازدهم از زمان آغاز به کار تا پایان سال ۹۳ حدود ۲۷۶ هزار میلیارد تومان افزوده شده است. هر چند رشد نقدینگی در این مدت نسبت به گذشته کاهش داشته، اما این افزایش حجم نقدینگی نیازمند افزایش بیشتر انضباط مالی دولت است. بنابراین حجم نقدینگی در سال ۸۴ به میزان ۶۷ هزار میلیارد تومان بود که اکنون به ۷۸۲ هزار میلیارد تومان رسیده و بیش از ۱۰ برابر شده است (نیلی، ۱۳۹۴).

جدول مقایسه رشد نقدینگی و پایه پولی در دولت‌های نهم و دهم و یازدهم

	دولت دهم					دولت نهم				
	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸
نقدینگی	۲۳۵۵۸۹،۱	۲۹۴۸۸۷۴،۲	۲۵۴۲۵۵۱،۹	۴۶۰۶۹۲۵،۹	۵۹۴۷۸۵۳،۵	۹۲۱۰۱۹،۴	۱۲۸۴۱۹۹،۴	۱۶۴۰۲۹۳	۱۹۰۰۱۳۶۶	۷۸۲۳۸۴۷،۹
رشد	۲۳،۹	۲۵،۱	۲۰،۱	۳۰	۲۹	۲۴،۳	۳۹،۴	۲۷،۷	۱۵،۹	۳۱
پایه پولی	۶۰۳۷۸۴،۲	۶۸۴۳۹۸،۱	۷۴۴۵۶۸،۵	۹۷۵۷۹۵،۱	۱۱۴۹۴۴۵،۸	۲۲۰۵۴۱،۴	۲۷۹۹۷۵،۱	۳۶۵۴۹۹	۵۳۶۴۰۵،۹	۱۱۴۷۵۷۷،۹
رشد	۱۱،۹۳	۱۳،۶۸	۱۱،۳۹	۲۷،۶۲	۱۷،۷۹	۴۵،۹	۲۶،۹۵	۳۰،۵۵	۴۷،۵۸	۱۶،۸۹

(ارقام به میلیارد ریال)، آمار مربوط به پایه پولی سال ۹۳ مختص به آذرماه می باشد.

رکود در بخش نفت و گاز

یکی از موتورهای اصلی تحرک اقتصاد کشور بخش نفت بوده که در سال‌های حکومت دولت نهم و هم با مشکلات فراوانی مواجه شده است. تولید نفت خام از سال ۱۳۸۰ تا سال ۱۳۸۴ با روندی افزایشی از حدود ۳/۵ میلیون بشکه در سال ۱۳۸۰ به بیش از ۴ میلیون و ۱۰۰ هزار بشکه در روز در سال ۱۳۸۴ رسید، ولی از سال ۱۳۸۴ کاهش سرمایه گذاری در اکتشاف و تولید نفت باعث شد تولید روندی نزولی پیدا کند. صادرات نفت نیز به دلیل افزایش تحریم‌ها با محدودیت‌های زیادی مواجه شد؛ بنابراین یکی از اولویت‌های مهم کنونی دولت بازگرداندن تولید و صادرات نفت به ارقام سال‌های قبل از ۱۳۸۴ است. طی دوران دولت دهم به رغم نیاز جدی کشور به انرژی و اولویت بسیار بالای بهره‌برداری از میادین مشترک هیچ یک از میدان-

های گازی جدید به بهره برداری کامل نرسیده‌اند و در حال حاضر کشوری که از نظر حجم ذخایر گازی در مرتبه دوم جهانی قرار دارد، برای تامین انرژی داخلی خود نزدیک به ۴۰ میلیارد مترمکعب کسری دارد. از طرفی روابط مالی شرکت ملی پالایش و پخش و شرکت ملی گاز با خزانه و سازمان هدفمندی یارانه‌ها شفاف نبوده و برداشت از حساب این شرکت‌ها برای اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها، این شرکت‌ها را با موانعی در تامین منابع مواجه کرده است. در چنین شرایطی کنار گذاشتن نیروهای با سابقه و متخصص بخش نفت و حذف پیمانکاران بخش خصوصی، حل مشکلات این بخش را هم پیچیده‌تر کرد. علاوه بر این، اعمال تحریم‌ها منجر به عدم دریافت بخش قابل توجهی از درآمد حاصل از فروش نفت خام طی سال‌های گذشته و کاهش سرمایه‌گذاری‌های خارجی شده است (آرامیان، ۱۳۹۲).

نتیجه‌گیری

آمارها نشان می‌دهد در دولت‌های نهم و دهم با برخورداری از بیشترین درآمدهای نفتی ۳۶۱،۳۲۴ میلیارد دلاری در تاریخ کشور و در شرایطی که احمدی نژاد تصدوی دولت را با رشد اقتصادی ۵،۵ برعهده گرفت و با رشد اقتصادی منفی ۴،۴ به دولت یازدهم تحویل داد بنابراین نمی‌توان صرفاً به سبب افزایش درآمدهای نفتی امیدوار بود رشد اقتصادی قابل توجهی داشته باشیم. در دولت نهم و دهم، شاهد دو سال رشد منفی اقتصادی در سال‌های ۸۹ و ۹۲ بودیم این در شرایطی است در دوران پس از جنگ تحمیلی انتظاری برای رشد اقتصادی وجود نداشت اما با این حال تنها یک سال شاهد رشد اقتصادی منفی در کشور بودیم.

در عرصه اقتصاد داخلی، وابسته کردن تولید و مصرف به واردات و کنترل قیمت کالاهای مصرفی به کمک واردات و ارز ارزان در دستور کار قرار گرفت. درست در زمانی که هر روز موضوع تنش‌زای جدیدی در عرصه روابط بین‌الملل از طرف ما مطرح می‌شد، میزان واردات کشور با اتکا به درآمدهای نفتی افزایش‌های جهشی پیدا می‌کرد. در نتیجه رونق درآمدهای نفتی منجر به وابستگی بیشتر سبد خانوار ایرانی به کالاهای خارجی شده است. نکته مهم تمایز میان دوره اخیر افزایش درآمدهای نفتی در مقایسه با دوره اول وفور آن است که در دوره اخیر، وابستگی اقتصاد به واردات بدون توجه به مسائل بین‌المللی و تعارض با غرب صورت گرفت. در نتیجه با ایجاد محدودیت برای درآمدهای ارزی در اثر تحریم‌ها، نرخ ارز افزایش و واردات در سال‌های ۱۳۹۱ و به خصوص ابتدای ۱۳۹۲ دچار کاهش شد و از این نظر، رفاه خانوارهای

ایرانی که تحت تاثیر واردات زیاد قرار داشت دچار افت شدیدی شد. ارزش پول کشور، از اواخر سال ۱۳۹۰ تا اوائل سال نزدیک به یک سوم کاهش پیدا کرد. نوسانات شدید نرخ ارز نیز با ایجاد فضای بی‌ثبات در اقتصاد منجر به بروز اختلال در تعهدات بانک‌ها و اخلال در تجارت خارجی شد. در سال ۱۳۹۱ درآمدهای حاصل از فروش نفت تقریباً نصف شده و واردات نیز در حدود ۱۰ میلیارد دلار کاهش یافته است (کاهش ۱۵ درصدی). در هفت ماهه ابتدای سال ۱۳۹۲ نیز واردات کالا ۲۵ درصد نسبت به ۷ ماهه سال ۱۳۹۱ کاهش یافته است. در نتیجه افزایش واردات طی سال‌های قبل نه شغلی ایجاد کرد و نه منجر به رشدهای اقتصادی بالا شد و بالعکس اقتصاد ایران را دچار رشدهای آسیب‌پذیر کرد که حاصل آن رشد منفی بالای سال ۱۳۹۱ بود.

در شرایطی که تنگ شدن حلقه‌های تحریم بر بدنه نظام بانکی و صنعت نفت کشور از مدت‌ها قبل قابل پیش‌بینی بود، افزایش مستمر واردات ارزان قیمت و هضم شدن تولید داخلی در درون اقتصاد بین‌الملل با اتکای به ذخایر بانک مرکزی و درآمدهای آسیب‌پذیر نفتی بسیار غیرمحتاطانه بوده است. اقتصاد ایران می‌توانست در دوره وفور نفتی فرصت را غنیمت شمرده و از این شرایط استثنایی برای انبوه متولدان دهه ۶۰ شغل ایجاد کند؛ در حالی که طی این مدت دولت سخاوتمندانه برای اقتصاد کشورهایی که از آنها واردات انبوه داشتیم، شغل ایجاد کرد.

دولت حسن روحانی در یک دوره‌ی گذشته توانسته است رویکردهای سیاستی گذشته و روند شاخص‌های مختلف را معکوس کند. روند تحریم‌های بین‌المللی معکوس شده؛ روابط بین‌المللی ایران آن‌چنان بهبود یافته که ایران برای اولین بار می‌تواند نقش دیپلماتیک نیز در بحران‌های منطقه‌ای ایفا کند؛ نرخ تورم به میزان قابل توجهی کاهش یافته است و بسته سیاستی منسجم و کارآیی برای عبور از رکود ارائه شده است، در این دوره کشور دارای بالاترین نرخ رشد اقتصادی و نرخ رشد دو رقمی را تجربه کرد، یک سال رشد اقتصادی منفی، رکوردار مهم تورم بود. به این ترتیب بررسی عملکرد دولت‌ها در سال‌های گذشته نشان می‌دهد عملکرد دولت‌های تدبیر و امید، سازندگی و اصلاحات بسیار قابل قبول‌تر از دولت احمدی‌نژاد بوده است که با درآمدهای بالای نفتی اقتصاد کشور را به مرز بحران کشاند.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- آرامیان، راشل (۱۳۹۲). «روزهای سخت شاخص‌های کلان»، وب‌گاه روزنامه شرق، ۱۳ مرداد.
- امیدوار، کاوه (۱۳۸۷). «بنیاد مستضعفان تاجر جدید نفت»، وب‌گاه بی‌بی‌سی فارسی، ۴ تیر.
- رئیس‌زاده، مهدی (۱۳۹۲). «ریشه رشد تورم»، وب‌گاه روزنامه آرمان، ۱۵ مرداد ۱۳۹۲.
- طباطبایی‌یزدی، رؤیا (۱۳۹۰). «اشتغال و بیکاری در ایران»، نشریه راهبرد، شماره بیستم.
- طیبنیا، علی (۱۳۹۲). «دولت نهم و دهم اشتباه دهه ۵۰ را تکرار کرد»، وب‌گاه روزنامه شرق، ۲۷ مرداد.
- علیزاده، ابراهیم (۱۳۹۲). «پول‌های نفت را در بخش‌هایی بلوکه کرده‌اند»، وب‌گاه روزنامه آرمان، ۲۰ مرداد.
- ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی کار و جامعه (۱۳۹۲). گزارش عملکرد صد روزه دولت در بخش اقتصادی، شماره ۱۶۳.
- مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی (۱۳۸۸). گزارش بررسی وضعیت اشتغال و بیکاری در کشورهای بزرگ اقتصادی، معاونت پژوهش و آموزش، گروه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی داخلی.
- نیلی، مسعود (۱۳۹۴). مقایسه عملکرد دولت‌ها در سی سال گذشته، تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی آماری.

ب) منابع انگلیسی

- Borgonovi E. and E. Anessi-Pessina (1999). Accounting and Accountability in Local Government: A Framework, Comparative Issues in Local Government Accounting, E. Caperchione and R. Mussari, Boston, Dordrecht and London: Kluwer Academic Publishers, pp. 1-9.
- Jorge S. M (2003). Local Government Accounting In Portugal in Comparative-International Perspective, The Portuguese Foundation for Science and Technology, July.
- Vela Bargues J. M (1996). A Cross Country Study of Local Government Accounting Systems, Recent Developments in Comparative International Governmental Accounting Research, Speyerer Orschungsberichte, No.159, 1996, pp.45-70.